



زری آقاجانی

کارشناس آموزشی و عضو تحریریه‌ی مجله

فرصتی برای اندیشیدن

سرآغاز

بارها شنیده ایم که سؤالات پی‌درپی و به ظاهر نامأنوس برخی کودکان، آموزگاران و پدر و مادرها را به ستوه آورده است اما آیا هیچ وقت به این سؤالات جوابی کامل داده شده است؟ آیا به عمق آن‌ها توجه شده است؟ یادم می‌آید وقتی در دوره‌ی ابتدایی سؤالی - حتی مربوط - از معلم می‌پرسیدم او با اخم می‌گفت: «الآن وقت این سؤال نیست، حواست به درس من باشد!» پس چه موقع، وقت این سؤال‌ها بود؟ متأسفانه تا آخر تحصیلات فرصت پاسخ به این سؤالات پیش نیامد و هر سال سؤال‌های بیشتر و عمیق‌تری مطرح شد! حالا حدود چهار دهه است که موضوعی به نام «فلسفه برای کودکان» در آموزش و پرورش برخی کشورها باز شده است که خوش‌بختانه به وسیله‌ی اندیشمندان فعال، به کشور ما هم رسیده است. وقتی مطالب مربوط به فلسفه برای کودکان را مطالعه می‌کردم، متوجه شدم این همان خلأیی است که در دوران کودکی همه‌ی ما وجود داشت. سؤالاتی که از دید معلمان ما مزاحم کلاس، و از نگاه والدین کلافه‌کننده بود. همان سؤالات فلسفی بودند که حالا زیر خروارها علامت سؤال دفن شده‌اند!

از این که به آن سؤالات پاسخ داده نشده و جدی گرفته نشدند، نباید ناراحت بود، زیرا آن روزها مسائل تعلیم و تربیت همان‌گونه باید جریان می‌یافت، ولی امروزه با ورود مطالب نوین آموزشی؛ طرز تفکرها هم جدید شده است. امیدواریم که به چراهای بچه‌های امروز و فردا توجه شود و به آنان بیاموزند که چگونه پاسخ‌هایشان را پیدا کنند.

از این رو در دوره‌ی جاری، طی چند شماره مطالبی درباره‌ی آموزش فلسفه به کودکان و ویژگی‌های مربی و کلاس فلسفه و خصوصیات داستان‌های فلسفی همراه با چند نمونه داستان در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی منتشر خواهد شد. امید است با چاپ این مطالب و آشنایی آموزگاران گرامی با این موضوع، قدمی مؤثر در راه تربیت کودکانی فکور برای ایران اسلامی برداشته شود.



مرتضی طاهری

کارشناس تعلیم و تربیت

پیرها، جوان می‌شوند؟!!

بازتاب

اشاره

در سرمقاله‌ی شماره‌ی چهار دوره‌ی گذشته (دی‌ماه ۱۳۹۰، شماره‌ی ۱۲۱)، با عنوان «جوان‌هایی که پیر شدند...»، سردبیر مجله با ذکر خاطره‌ای، از بازنشسته شدن ۲۷ هزار معلمی سخن گفته بود که در دی‌ماه سال ۱۳۶۰ وارد آموزش و پرورش کشورمان شده و بسیاری از آنان، علاوه بر معلمی، منشأ خدمات فراوانی در جامعه‌ی تعلیم و تربیت شدند. سرمقاله‌ی مذکور، بازتاب‌های فراوانی داشت. علاوه بر مراجعات حضوری و تماس‌های تلفنی، عده‌ای نیز به صورت مکتوب به این نوشته پاسخ دادند که از میان پاسخ‌های مکتوب، یکی از آن‌ها را به انتخاب اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله منتشر می‌کنیم.

مطلب زیبا و اثرگذار جناب آقای مجدفر را در سرمقاله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره‌ی دی‌ماه ۱۳۹۰ خواندم و در پی آن نکته‌ای به نظرم رسید که به آن اشاره می‌کنم. شکی نیست که انسان از دو بعد «جسم» و «روح» ترکیب یافته و هر کدام از این دو نیز در جای خود مهم و غیرقابل انکار هستند. جسم انسان با افزایش سن او فرسوده می‌شود. به مصداق بخشی از آیه‌ی شریفه‌ی ۶۸ از سوره‌ی یس: «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِی الْخَلْقِ...» (هر که را عمر دراز دهیم، در



تاریخچه‌ی فلسفه برای کودکان

می‌گویند که در یونان باستان فیلسوفان را دوست‌دار خرد یا دانایی می‌دانستند. آن‌ها در فکر کردن قدرت بسیار بالایی داشتند. کلمهٔ فلسفه از دو لغت لاتین «فیلو» به معنی «فراگرفتن» و «سوفوس» به معنای «خرد» گرفته شده است.

سقراط، که یکی از معلمان بزرگ فلسفه است، برای تعلیم شاگردانش از سؤال کردن به شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کرد، زیرا معتقد بود که «پرسش‌ها» منابع و آغازگر دانش‌اند. او همیشه در جلسات درس، سؤال‌های گوناگونی را مطرح می‌کرد تا ابعاد تفکر و اندیشیدن را در شاگردانش تقویت کند. از بیان آموزش سقراطی هدفی داریم که در ادامه‌ی بحث به آن می‌رسیم. سالیان سال مردم فکر می‌کردند که فلسفه محدود به قشر خاصی است و فقط بزرگ‌ترها

هستند که می‌توانند آن را بیاموزند! اما در سال ۱۹۶۰ میلادی متیولیپمن، استاد فلسفه‌ی دانشگاه نیوجرسی، با الهام از جان دیویی تصمیم گرفت رشته‌ی فلسفه برای کودکان را به وجود آورد. او وقتی متوجه شد که مهارت تفکر دانشجویانش آن‌طور که انتظار دارد، نیست، به این فکر افتاد که از کودکی باید آموزش فلسفیدن را آغاز کرد. بنابراین دانشگاه را رها کرد و برای آموزش فلسفه به کودکان به تحقیق پرداخت. پس از مدت ۱۰ سال، او داستان را قالبی مناسب برای آموزش فلسفه به کودکان معرفی کرد، زیرا معتقد بود داستان برای کودکان جذابیتی خاص دارد و آن‌ها از نظر ذهنی و شخصیتی با داستان ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. چنین شد که او نوشتن اولین داستان‌های فلسفی برای کودکان را آغاز کرد. لیپمن بعدها به

کمک همکارانش پژوهش‌کننده‌ی توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان را تأسیس کرد. بعد از مرگ لیپمن، دیگر استادان فلسفه برای کودکان، از جمله همکارش خانم **آن مارگارت شارپ** مشتاقانه روی این موضوع کار می‌کنند.

لازم به ذکر است که در انگلستان نیز شیوه‌ی دیگری با عنوان آموزش فلسفه به کودکان به وسیله‌ی شخصی به نام **گرت بی متیوز** در حال اجراست. در کشور ما نیز فلسفه برای کودکان علاوه بر فعالیت‌های موردی و خاص، به‌طور مشخص در مراکزی مانند بنیاد حکمت اسلامی صدرا در حال پژوهش، بررسی و آموزش است.



آفرینش دگرگونش کنیم...، به تدریج از توان انسان کاسته می‌شود تا به مثابه شعله‌ی شمع، روی به خاموشی گذارد. اما روح او چیست و برای روح چه اتفاقاتی می‌افتد.

خالق بی‌همتای هستی خود فرموده است که روح از «امر» من است و برای همین بشر را نرسد به آن که به سر و کنه این پدیده و واقعیت، دست یابد.

دیده‌ها و شنیده‌ها حاکی از آن است که برخلاف جسم، با افزایش سن انسان روح، قوی‌تر، گسترده‌تر، وسیع‌تر و بالنده‌تر می‌شود و به عبارت دیگر این بُعد از ابعاد وجودی انسان، به جای آن که پیر و فرسوده شود، برعکس، جوان می‌گردد!

بسیاری معتقدند

که اصل وجود انسان، که مرگ ندارد و حاصل

اندوخته‌های جاویداوست، همین روح است که در سرای باقی و پس از آن تا نهایت هستی، حیات او را استمرار می‌بخشد و در هنگامه‌ی رستخیز نیز در جسم جدید، او حلول می‌کند. پس ای برادر عزیز! شما و همه‌ی آنان

که با افزایش سن، رو به پیری ظاهری و جسمانی می‌روند، به واقع از نظر روحی جوان می‌گردد و به جز موارد بیماری (مثل دیمانس و زوال عقل، آلزایمر و...) در پیری ابدان، شاهد رشد تفکر، خلاقیت و... در ارواح هستیم. و به تعبیری: پیری آن نیست که بر روی، زند موی سپید.